

معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B ارگس سفلی (ملایر - همدان)

خلیل‌الله بیک‌محمدی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی-مری آموزشی دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر همدان.

Khalil_bm@yahoo.com

محسن جانجان

کارشناس رسمی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان.

نسرین بیک‌محمدی

کارشناس باستان‌شناسی-پژوهشگر آزاد.

تاریخ دریافت

(از ص ۱۲۱ تا ۱۴۰)

چکیده

سنگ‌نگاره‌های نویافته ارگس در ناحیه کوهستانی به فاصله ۲۰۰ متری جنوب‌شرقی روستای ارگس سفلی از توابع بخش زند، شهرستان ملایر در استان همدان قرار دارد. این اثر در سال ۱۳۹۰ با بررسی پیمایشی بخش زند شهرستان ملایر توسط محسن جانجان در فهرست ثبت آثار سازمان میراث فرهنگی قرار گرفته است. نگاره‌های ارگس در دو مجموعه A و B، به سه گروه اصلی نقوش؛ هندسی، جانوری و انسانی تقسیم می‌شوند. نقوش هندسی به صورت نمادین و محدود هستند اما نقوش جانوری شامل: چهار پایانی مانند: بز، اسب، سگ‌سانان و نقوش انسانی شامل؛ صحنه‌های شکارگاه از نقوش انسان شکارگر که به صورت سوارکاران، پیاده‌های کمان‌دار و نیزه‌دار که به دور از هر گونه نوشتار و علائم نگارشی را دربر گرفته است. نگاره‌ها به صورت کوبه‌ای بر روی صخره‌هایی از جنس سنگ آهن به صورت کنده به دور از هرگونه حجم و بُعد تصویر گردیده‌اند. بررسی و مطالعه این نگاره‌ها در بر گیرنده سوالاتی نظیر؛ توسط چه کسانی و در چه دوره‌ای این نقش‌ها ایجاد گردیده و هدف از به تصویر کشیدن نقش‌ها چه بوده است. مبنای گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌های ارگس مقایسه ریخت‌شناسی آن‌ها با دیگر نمونه‌های سنگ‌نگاره‌های به‌دست آمده از همدان و هم‌چنین سنگ‌نگاره‌های به‌دست آمده از سایر نقاط ایران، به‌لحاظ سبک کار و ریخت‌شناسی نگاره‌هایی که از هزاره چهار پ.م به دلیل تعاملات فرهنگی گسترده، در سرتاسر حضور شکارگران و دام‌داران کوچ‌رو این مناطق شاهد هستیم، قرار گرفته است. روش کار ثبت و ضبط اطلاعات موقعیت جغرافیایی با استفاده از GPS و با بهره‌گیری از نرم افزار Photoshop در طراحی نگاره‌ها بوده است. بحث در این پژوهش، بررسی و تحلیل مجموعه B در: شیوه، سبک و اسلوب ساختار نقش‌مایه‌های هنری در بحث زیبایی‌شناختی، صحنه‌های نمادین و معنادار، تصویرگران و دوره ثبت نگاره‌های ارگس خواهد بود.

کلید واژه‌ها:

سنگ‌نگاره، ارگس، نقش‌مایه، صحنه.

مقدمه

هنر صخره‌ای^۱ در مفهوم امروزی، فقط در برگیرنده نگاره‌هایی است که نقش مایه‌های عمده آن، تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری؛ حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان، به صورت تک نگاره یا در صحنه‌ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی بوده و تکنیک اجرایی این نقوش به شیوه کنده‌نگاره^۲ است (رضایی و جودی، ۱۳۸۹: ۳).

«رفیع‌فر» از هنر صخره‌ای به عنوان یک هنر جهانی یاد می‌کند که در بین هنرهای شناخته شده دیگر، نه تنها بیشترین قدمت را دارد بلکه جایگاه ویژه‌ای نیز به خود اختصاص داده است. این هنر توانسته اولین جلوه‌های شناخته شده از حساسیت هنری و زیباشناختی اجداد دور انسان را در بسیاری از نقاط جهان با بیانی معنادار به معرض نمایش بگذارد (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۴۶). نقوش صخره‌ای با وجود شباهت‌های فراوانی که از لحاظ موضوع نقوش اغلب؛ صحنه شکار، نبرد و تک نگاره بزکوهی را دربر می‌گیرند و از لحاظ تکنیک اجرا، به صورت کنده و به روش کوبه‌ای^۳ است که با زدن ضربه روی سنگ، به وسیله‌ی شی‌ای سخت و محکم و با عمق بسیار کم ایجاد شده‌اند. موضوعات سنگ نگاره‌ها متأثر از شرایط جغرافیایی، فرهنگی، زیست محیطی هر منطقه هستند. امروزه نقوش صخره‌ای با قدمتی که دارای طیف گسترده‌ای است، از دوره پارینه سنگی تا دوره معاصر را شامل می‌گردد. با توجه به اهمیت روشن شدن محتوا، معنا و قدمت این داده‌های فرهنگی، از جنبه‌های مختلف نظیر؛ باستان‌شناختی، مردم‌شناختی، هنر، نشانه‌شناختی مورد پژوهش قرار می‌گیرند (رضایی و جودی، ۱۳۸۹: ۳). اساسی‌ترین مشکل این نگاره‌ها را می‌توان عدم تاریخ‌گذاری مطلق آن دانست و فقط به صورت گاه‌نگاری تطبیقی و مقایسه‌ای می‌توان تاریخ و دوره خاصی را برای آن‌ها مشخص کرد.

پیشینه و آغاز پژوهش‌های نقوش صخره‌ای ایران توسط پژوهش‌گران ایتالیایی صورت گرفته است. در سال ۱۹۵۸ زمانی که گروهی از زمین‌شناسان ایتالیایی جهت کشف و استخراج مواد معدنی در منطقه‌ی بلوچستان مشغول به کار بودند، تعدادی نقوش صخره‌ای در منطقه گزو کشف کردند (Dessau 1960). این کشفیات را می‌توان نخستین پژوهش در مورد نقوش صخره‌ای ایران دانست (محمدی‌قصریان، الف ۱۳۸۶: ۱۹). گزارش مقدماتی "مک بورنی" پس از بررسی نقوش صخره‌ای دوشه و میرملاس در سال ۱۹۶۹ میلادی، اولین گزارش مقدماتی درباره نقوش صخره‌ای ایران است (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۴-۱۶). از مهم‌ترین و پرکارترین نقوش سنگ نگاره‌های ایران، تیمره است که در سال ۱۳۷۷ مجموعه نقوش منطقه تیمره به صورت کتابی جامع منتشر گردیده است (فرهادی، ۱۳۷۷: ۶۶-۶۵). در سال ۱۳۸۴ جلال‌الدین رفیع‌فر در قالب کتابی با عنوان؛ -سنگ‌نگاره‌های ارسباران- به صورتی جامع‌تر، به تشریح نقوش صخره‌ای هوراند (لقان) کلیبر پرداخته است (رفیع‌فر ۱۳۸۴). از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته‌ی سال ۱۳۸۶، در باب هنر صخره‌ای ایران که با کوشش شهرام زارع و دیگر همکارانشان بود، انتشار ویژه‌نامه‌ای تخصصی در مجله باستان‌پژوهی است که در برگیرنده نتایج جدیدترین مطالعات نقوش صخره‌ای ایران است (باستان‌پژوهی، ۱۳۸۶: شماره ۳). آغاز پژوهش‌ها و مطالعات نگاره‌های سنگی استان همدان به سال ۱۳۶۶.ش بر می‌گردد که نقوش صخره‌ای "کمرنبشته" تویسرکان توسط محمد

1. Rock Art.
2. Petroglyph.
3. Pecking.

رحیم صراف مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت (صراف و بشاش، ۱۳۶۶: ۶). در بررسی دره دیوین (صراف ۱۳۷۶)، سنگ نگاره‌های بخش جنوبی دره مرادیبیک شناسایی گردید و پژوهش تکمیلی آن توسط مسعود رشیدی نژاد (رشیدی نژاد و زمانیان، ۱۳۸۸) صورت پذیرفت. در بررسی شهرستان ملایر، بخش جوکار (بختیاری ۱۳۸۷) سنگ نگاره‌های "چشمه صحبت" شناسایی گردیده است. اما در بررسی بخش زند و مرکزی ملایر (جانجان ۱۳۹۱) سنگ نگاره دیگری در روستای ارگس سفلی شناسایی گردید که جلوه دیگری از هنر تصویرگری گذشتگان را برای ما به ارمغان آورده است که گویای ذهن خلاق ساکنین دوران تاریخی را دربر دارد. نکته قابل ذکر این است که مجموعه‌ی A سنگ نگاره‌های ارگس (شکل ۲) که شامل تعداد محدودی از نگاره‌هایی منفرد نقوش حیوانی در فاصله حدود ۸۰۰ متری از مجموعه‌ی B سنگ نگاره‌های ارگس (شکل ۳) قرار گرفته و در همایش ملی باستان‌شناسی بیرجند، اردیبهشت ۱۳۹۲ گردید (جانجان و بیک محمدی، ۱۳۹۲: ۳۵۶).

در بررسی و تحلیل نگاره‌های ارگس با سوالاتی مواجه هستیم که عبارتند از: هنرمندان و نگارگران این اثر هنری چه کسانی بوده و در چه دوره‌ای به خلق آن پرداخته‌اند؟ هدف از ایجاد این نگاره‌ها در بستر صخره‌ای و به دور از دید عموم مردم چه بوده است؟ در ترسیم نقوش چرا به فرم و کلیت موضوع توجه شده و نقوش به دور از هرگونه ریزه‌کاری، بُعد و پرسپکتیو خلق شده‌اند؟

در بین نگاره‌های ارگس، هیچ نقشی بدون مفهوم و معنی نیست، هر نقشی نماد و نمایان‌گر شخص، مفهوم و واقعه‌ای خاص است و نگارگر متأثر از الگوهای ذهنی خود نمادی از؛ بز، سگ، انسان و صحنه‌هایی از شکار و سواره نظام را به تصویر می‌کشد. بررسی سنگ‌نگاره‌های ارگس و سایر سنگ‌نگاره‌های همدان مانند: سنگ نگاره‌های دره مرادیبیک و مزرعه حاج‌مَد درآمدی بر شناخت برخی از مفاهیم انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. برای نمونه؛ ناهمگونی نگاره‌های نمادین، پراکنش نگاره‌ها با وجود بستر مورد نیاز برای نگارگری در چشم‌اندازی یکسان، زبان مشترک نگاره‌ها در بیان با ارزش‌ترین باورها مانند: نقش بز و شکار این حیوان به‌ویژه در نگاره‌های ارگس، دره مرادیبیک و مزرعه حاج‌مَد ساختار زندگی کوچ‌نشینی و زندگی مبتنی بر شکارورزی و دام‌داری را تصویر سازی می‌کنند. نکته قابل‌تعمل در هنر نمایی هنرمندان سنگ‌نگاره‌های ارگس این است که نگارگر در ترسیم نقوش ناتوان نبوده که نقوش را به‌صورت ساده و بدون هیچ تزیین نقش‌مایه‌ها به تصویر درآورده است. در سادگی و بی‌پرایه بودن نگاره‌ها باید اشاره کرد که هنرمندان این نگاره‌ها، شبانان و کوچ‌روهایی بوده‌اند که دارای زمانی کافی و یا ابزارهای کامل و قابل دسترس برای ایجاد یک نقش زیبا را نداشته و به نقش ساده، تخت و تنها به ارایه فرم نگاره‌ها آن بسنده کرده‌اند.

روش تحقیق

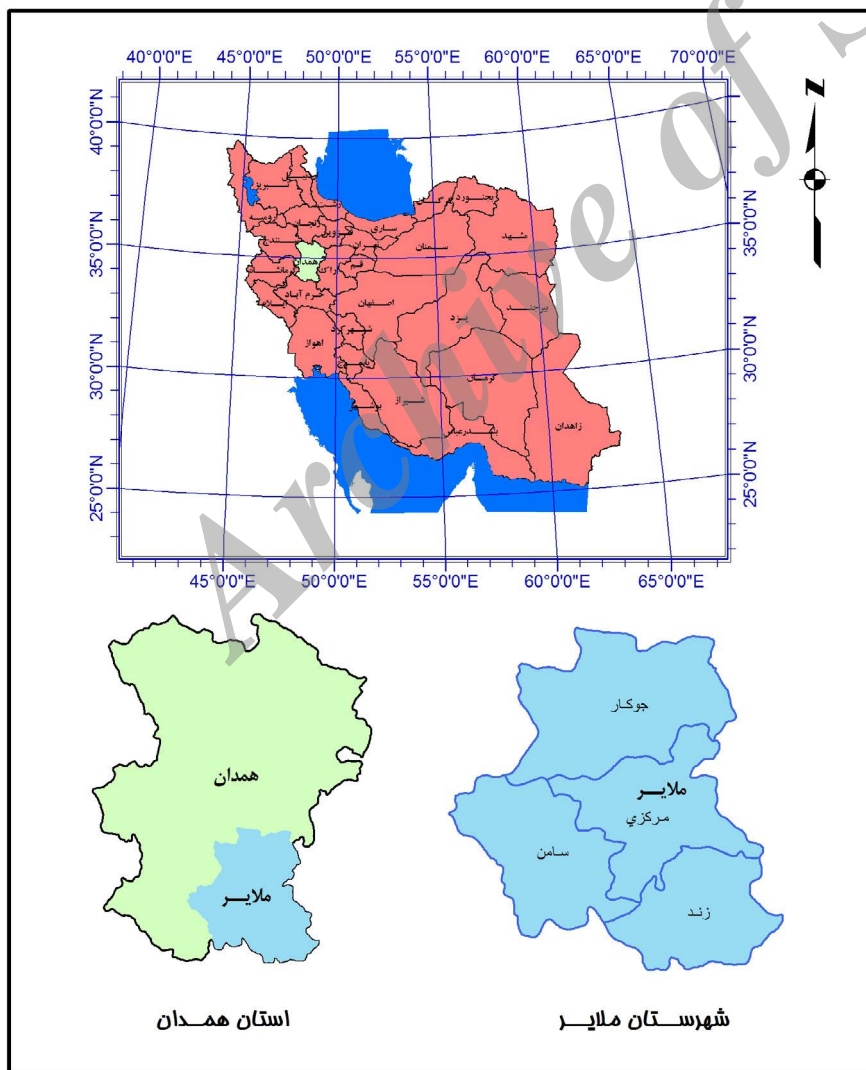
روش پژوهش به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در روش میدانی طی بررسی روشمند این اثر شناسایی گردید و در فهرست ثبت آثار ملی قرار گرفت، سپس طی مراحل نقش‌مایه‌ها سنگ نگاره‌ها برداشت (عکاسی) و طراحی شدند. در این بخش از GPS برای ثبت و ضبط اطلاعات موقعیت جغرافیایی استفاده گردیده و با بهره‌گیری از نرم افزار Photoshop در طراحی نگاره‌ها

بوده است. در روش کتابخانه‌ای تمامی طرح‌ها مورد بازنگری، تحلیل و مقایسه با نمونه‌های مشابه این اثر قرار گرفته است.

موقعیت جغرافیایی و منابع زیست‌محیطی سنگ‌نگاره‌های ارگس

نگاره‌های صخره‌ای ارگس در ناحیه کوهستانی در ۲۰۰ متری جنوب‌شرقی روستای ارگس سفلی از توابع بخش زند شهرستان ملایر در استان همدان قرار دارد (نقشه ۱). روستای ارگس سفلی بالغ بر ۱۲۰۰ نفر جمعیت داشته و شغل اکثر ساکنان این روستا کشاورزی و دامپروری است. این منطقه محیطی ایده‌آل برای اقتصادی ترکیبی کشاورزی-دامداری با تاکید و مبتنی بر گله‌داری است. زبان و گویش اهالی به زبان لری می‌باشد. منابع آبی این روستا از چشمه و رودخانه‌های فصلی که در آن قرار دارد تامین می‌گردد، از این رو منابع آبی آن باعث تامین آب عشایر و دامدارانی است که از دیرباز در مسیر قشلاق-بیلاق در مسیر حرکت خود در کنار رودخانه و چشمه‌های این منطقه سکنی می‌گزینند.

نقوش سنگ‌نگاره‌های ارگس بر روی صخره‌های سیاه رنگی از جنس سنگ آهن ایجاد گردیده که بر روی تراسی شیب‌دار و مشرف بر رودخانه (رودخانه ارگس) به فاصله ۲۵۰ متری با بستری کم آب، ولی دایمی و قدیمی قرار دارد (آب رودخانه



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی بخش زند شهرستان ملایر بر روی نقشه ایران (نگارندگان ۱۳۹۱). ◀

۱۲۴ نامی باستانی

شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

ارگس در فصول مختلف متغیر است). عمده آب این ناحیه توسط رودخانه‌های فصلی و چشمه‌های دائمی و از طریق منابع آبی و فصلی کوهستان تامین می‌گردد. این اثر در موقعیت جغرافیایی ۴۸-۵۱-۵۳۶-۵۸ E: و ۳۴-۴-۴۲-۰۱۹ N: در ارتفاع ۱۹۳۶ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است (نقشه ۲).



نامی باستانی

نقوش بر روی پشته‌ای از صخره‌ها در مساحتی به طول ۸۰۰ متر در راستای شرقی غربی و به عرض ۲۰ متر در راستای شمالی جنوبی در دو مجموعه بزرگ (که با نام مجموعه A و B نام‌گذاری شده) و چندین سنگ کوچک دارای تک نگاره‌های پراکنده در بین مسیر این دو مجموعه شناسایی گردیده است (بیشتر تک نگاره‌های منفرد در حاشیه مجموعه B قرار دارند). این نقوش بر روی صخره‌هایی ایجاد گردیده که بلندترین صخره حدود ۴ متر ارتفاع دارد. برخی از این سنگ‌ها به دلیل ریزش و فرسایش قابل رویت و نقوش آن قابل تشخیص نیستند. نقوش سنگ نگاره‌های ارگس سفلی از مجموعه‌های وسیع منحصر به فرد نقوش صخره‌ای است که به تعداد زیاد، در یک‌جا دیده می‌شود و از این نظر در ناحیه کوهستانی ملایر حایز اهمیت است. با توجه به سبک نقوش، گونه‌شناسی، دسته‌بندی و فرسایش یکسان آن‌ها می‌توان گفت که نگاره‌ها در یک مرحله زمانی نقش گردیده‌اند. مجموعه A در بخش جنوب غربی بر روی صخره‌ای با ارتفاع ۷۰/۳ متر و به عرض ۷۰/۶ متر ایجاد گردیده که ۳۷ نگاره را در خود جای داده است (شکل ۱). مجموعه B در بخش غربی قرار دارد (شکل ۲) که بر روی صخره‌هایی روی هم قرار گرفته که دارای ۵ متر عرض و ۳۰/۳ متر ارتفاع دارند که در یک مجموعه منسجم حدود ۵۷ نگاره و در حاشیه پایین مجموعه B بر روی صخره‌های کوچک و مجزا، ۲۹ نگاره قابل شناسایی بوده، شمارش گردیده است (شکل ۲).

نقش مایه‌های مجموعه‌ی B سنگ نگاره‌های ارگس

ارگس نام روستایی است که نقوش نو یافته‌ای در یک مجموعه منسجم بر روی سنگ‌ها و صخره‌هایی در مجاورت آن ایجاد گردیده که سنگ نگاره‌های آن با همین نام معرفی می‌گردد. در نتیجه روند فرسایش سنگ‌ها و صخره‌ها،



شکل ۱: نمای کلی مجموعه‌ی B سنگ نگاره‌های ارگس، شهرستان ملایر، بخش زنده، روستای ارگس سفلی، دید از غرب (نگارندگان ۱۳۹۱). ◀



شکل ۲: نمای سنگ نگاره‌های مجموعه‌ی A ارگس، دید از جنوب غرب (نگارندگان ۱۳۹۱). ◀

۱۳۶ نامی باستانی

شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

► شکل ۳: نمای سنگ نگاره‌های مجموعه‌ی B ارگس (نگارندگان ۱۳۹۱).



شکاف سنگ‌ها و ریزش برخی از سنگ‌های به قسمت پایین آن و متزلزل شدن صخره‌ها، نگاره‌های ارگس دچار آسیب، و از بین رفتن نگاره‌ها را سبب گردیده است. نگاره‌ها دارای نظم و چیدمان مشخصی نیستند و در برخی موارد به دلیل نوع جنس سنگ آهن این نگاره‌ها، نقوش دچار فرسایش گردیده و حتی در قسمتی از بخش‌ها زنگردگی و پتینه^۴ بر روی سنگ‌ها و نگاره‌ها به چشم می‌خورد. این امر سبب گردیده است که نگاره‌ها فقط از فاصله نزدیک و با دقت بالایی قابل رویت باشند. تعدادی از نگاره‌های مجموعه B بر روی دیواره صخره (شکل‌های ۱۳، ۱۲، ۶، ۵، ۴، ۳) و تعدادی بر روی سنگ‌های پراکنده در حاشیه پایین آن نقش گردیده (شکل‌های ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷) است. در یک نگاه کلی به آثار صخره‌ای ایران متوجه می‌شویم که نقوش نیافته ارگس معرفی کننده نقوش جدیدی نبوده و نظیر چنین آثاری در دیگر نقاط ایران و از جمله همدان به کرات نقش گردیده‌اند (صرف ۱۳۶۶، صرف و بشاش ۱۳۷۶، بختیاری ۱۳۸۷، محمدی فر و همتی ۱۳۹۱).

نقش مایه‌های مجموعه‌ی B سنگ نگاره‌های ارگس عبارتند از:

۱. نقش مایه‌های هندسی
۲. نقش مایه‌های حیوانی (بز، اسب، سگسانان)
۳. نقش مایه‌های انسانی (سوارکار، چوپان)
۴. نقش مایه‌های اشیاء و ابزارآلات (نیزه، کمان، چوب دستی چوپانان)
۵. نقش مایه‌های تلفیقی صحنه‌ها: صحنه شکار (نیزه دار و کماندار)، صحنه سوارکاری، صحنه گله‌داری

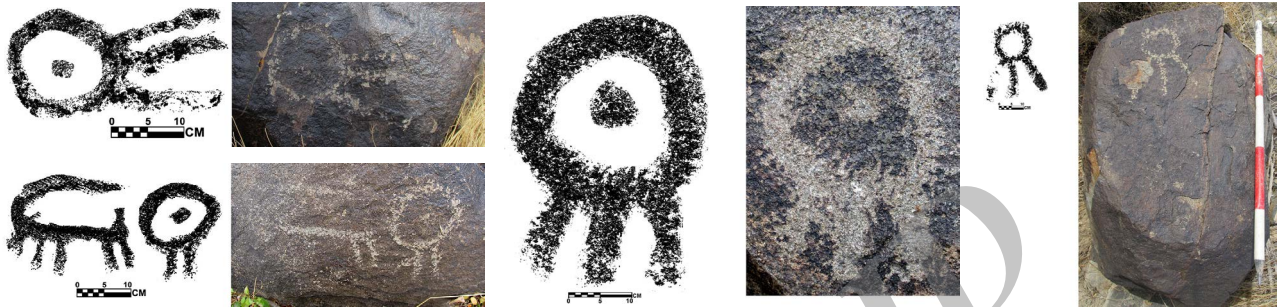
نقش مایه‌های هندسی

نقش مایه‌های هندسی سنگ نگاره‌های ارگس در برگیرنده نقوش نمادینی هستند، تشکیل شده از طرح هندسی دایره (حلقه) که یک نقطه در وسط آن و سه خط به آن متصل گردیده و نمی‌توان به یک شکل خاص و معناداری اشاره کرد.

4. Patina.

تعداد این نقش نیز در کل مجموعه B ارگس به ۷ عدد می‌رسد که در اندازه‌های مختلف ترسیم شده‌اند (شکل ۴). نمونه این نقش در بین نقش‌مایه‌های سنگ نگاره‌های اوچیمام^۵ همدان (رشیدی‌نژاد و زمانیان ۱۳۸۸) سنگ نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند (لباف‌خانیکی و بشاش ۱۳۷۳) نیز مشاهده گردیده و قابل مقایسه با این نقش است. رشیدی‌نژاد از این نقش به عنوان نماد شمنیستی یاد می‌کند (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

شکل ۴: نقش‌مایه هندسی (حلقه)، مجموعه‌ی B ارگس (نگارندگان ۱۳۹۱).



نقش نمادین (اسطوره‌ای): یکی از نقش‌های قابل توجه در بین نگاره‌های ارگس، نقش نمادینی است که به صورت یک خط سه سر (شبیبه به یک مار سه سر؟) ترسیم شده که حدود ۲۵ سانتی متر طول دارد، این نقش در کنار نقوش هندسی نمادین دایره، بز و سگ ایجاد گردیده و گویای جنبه معنادار و نمادین است. این نقش فقط یک نمونه در بین مجموعه نگاره‌های ارگس مشاهده گردیده (شکل ۵) و نمونه این نقش در بین نگاره‌های سنگی ازندریان همدان (محمدی‌فر و همتی ۱۳۹۱) نیز به چشم می‌خورد.

شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱
نامی باستانی ۱۲۸



شکل ۵: نقوش بز، سگ، نقش هندسی دایره و نمادین (اسطوره‌ای) مجموعه‌ی B ارگس-نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).

در بین نقش‌مایه‌های هندسی مجموعه B ارگس نقش صلیب شکسته (اسواستیکا) نیز قابل تشخیص است (شکل ۶). این نقش‌مایه هندسی که در فرهنگ ایران باستان به خورشید گردون معروف است که مسیر آن از طریق آسمان نشان داده شده است، در سنسکریت به معنای خوشبختی و دارای پیشینه تاریخی گسترده است. این نقش بر روی سکه‌های یونانی نیز به چشم می‌خورد (هال، ۱۳۸۳: ۵) که در بین نگاره‌های ارگس استفاده شده است.

۵. اوچیمام.

► شکل ۶: نقش مایه هندسی -
 صلیب شکسته، مجموعه‌ی B ارگس
 (نگارندگان ۱۳۹۱).



نقوش حیوانی

نگاره‌های حیوانی ارگس شامل نقش حیواناتی مانند: بز، اسب، سگسانان را دربر می‌گیرند. نقش بز کوهی با درصد بسیار بالایی نسبت به سایر نقوش حیوانات در رأس قرار می‌گیرد. از بین نقوش حیوانی قابل تشخیص شمارش شده نزدیک به ۸۱٪ نگاره‌های حیوانی به بز تعلق داشته که تماماً به‌صورت کنده‌کاری ایجاد گردیده‌اند. نقش بز در حالات مختلف ترسیم شده است، این نقوش در دسته‌های؛ گروهی (گله‌ها) و منفرد (تک نگاره‌های بز در چراگاه) تصویر گردیده است.

نقش بز: نقش بزهای سنگ نگاره ارگس دارای تنوع زیادی به لحاظ ریخت‌شناسی هستند، این تنوع را در شاخ‌ها به‌صورت چشم‌گیر و با اغراق فراوان و بدون تناسب با بدن حیوان مشاهده می‌گردد. اما در ترسیم آناتومی حیوان بدن به‌صورت کشیده و یا کوتاه‌تر از حد معمول است. در نمونه‌های فیگور بزها باید به نقش یک بز اشاره کرد که دارای دوشاخ بلند مدور به عقب برگشته که تا روی دم حیوان ادامه یافته است (شکل ۸، ۷). نقش شاخ‌ها را به‌صورت کوتاه و بلند، هلالی و صاف به سمت بالا دیده می‌شوند که در مجموعه B، خودنمایی می‌کند. شمارش تعداد دقیق نقش بزها به‌دلیل فرسایش میسر نیست. اندازه این نقوش در مقیاس بزرگ ترسیم نگردیده‌اند، بزرگ‌ترین بز تصویر شده حدود ۴۷ سانتی‌متر طول دارد. اندازه بزهای کوهی کمی از سایر نقش‌های حیوانی بزرگ‌تر است، البته این بزرگی بیشتر مربوط به طول شاخ‌ها هستند که بلندتر و کشیده‌تر ترسیم شده است. نقوش بزها قابل مقایسه با نقش بزهای دره‌دیوین (صراف ۱۳۷۶) هستند (شکل ۲۱).

سبک ترسیم نقوش حیوانی ارگس به‌صورت انتزاعی و تنها، خطوط ساده‌ای هستند که نقش حیوانات و نوع آن‌ها به واسطه این خطوط ترسیم و نمایش گردیده‌اند. هیچ اثری از نقوش سه‌بعدی در این مجموعه به‌چشم نمی‌خورد، این نقوش با حداقل خطوط و در ساده‌ترین و گویاترین شکل ممکن و با مهارتی قابل توجه تصویر شده است. همان‌گونه که ذکر گردید نقوش فاقد پرسپکتیو بوده و در موارد اندکی استفاده از قانون پرسپکتیو مخصوصاً در نمایش شاخ‌ها به‌چشم می‌خورد. اکثر این حیوانات به‌صورت نیم‌رخ نمایش داده شده‌اند. تمامی بزها



▲ شکل ۷: نقش بز با شاخ هلالی، مجموعه‌ی B ارگس (نگارندگان ۱۳۹۱).



شکل ۸: نقش بز، با شاخ کشیده، مجموعه‌ی B ارگس-نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).

شاخ‌های کمانی و بلندتر از اندازه واقعی و بدون تناسب نسبت به بدن خود دارند. در موارد بسیاری شاخ‌هایشان به صورت هلالی و تا نزدیکی دم که به صورت کوتاه و به طرف بالا نمایش داده شده، ادامه یافته است. در نقوش حیوانی ارگس نکته بسیار قابل توجه حالت سکون حیوانات است که در اکثر موارد چنین حالتی رعایت شده است. نقوشی که حیوانات را در حالت تحرک نشان داده‌اند در این مجموعه بسیار کمیاب‌اند و از انگلستان یک دست نیز تجاوز نمی‌کنند. البته شاید علت اصلی ارایه تصاویر در این حالت، نشان دادن فضای چراگاه بوده که معمولاً در چراگاه حیوان در حالت ایستاده و ساکن هستند (شکل ۹).

نقش میش: از نمونه دیگر نقش حیوانی باید به یک میش اشاره کرد که به حالت نیم‌رخ با گردن بلند و شاخ کوتاه ترسیم شده است. این نقش نیز به‌مانند سایر نقوش حیوانی بز با خطوط اسکیس، به صورت انتزاعی و فرم آناتومی بدن را به‌معرض نمایش می‌گذارد. در ترسیم آن از جزییات بدن و ایجاد عمق و حجم خبری نیست. این نقش با توجه به حرکت سر و نوع ایستادن آن در حال خوردن ترسیم شده است (شکل ۱۰). نقش سگ‌سانان: سگ‌سانان از جمله

۱۳۰ نامی باستانی

شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱



شکل ۹: نقوش بزهای پراکنده با شاخ کشیده در اندازه مختلف، مجموعه‌ی B ارگس-نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).

نقش‌های شناسایی شده و محدود هستند. این نقوش شامل؛ نقش شش سگ است. گونه نقش سگ را می‌توان به واسطه نوع؛ گوش، دم، و بدن کشیده آن شناسایی کرد که اغلب دارای دم کشیده و گوش‌های تیز به سمت بالا هستند. سگ‌ها در بین نقوش بزها و همراهی کردن آنان، پشت سر گله ترسیم گردیده‌اند که به مانند نقش بزها با خطوط ساده و بدون جزییات و حجم بدن نشان داده می‌شوند (شکل ۱۱). در نقش دیگری از سگسانان حیوانی به چشم می‌خورد که



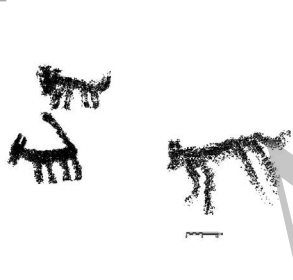
► شکل ۱۰: نقش میش (?)، مجموعه‌ی B ارگس‌نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).



نقش از نظر فرم آناتومی؛ دارای پوزه کشیده و دم پیچ خورده به سمت بالا است (شکل ۱۲).

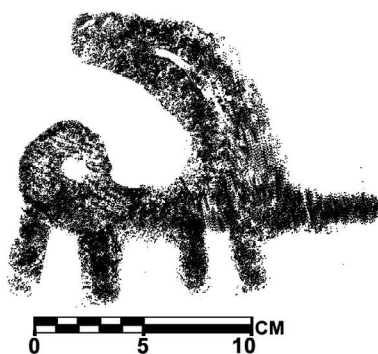
نقوش انسانی: در نگاره‌های ارگس حضور نقوش انسانی محدود و انگشت شمارند، این نقوش از نظر تعداد نسبت به نقش حیوانی در اقلیت هستند. در بین نگاره‌ها ۱۱ نقش انسانی کاملاً مشخص در مجموعه B مورد شناسایی و شمارش گردیده‌اند. به طور کلی حالت‌های نقوش انسان‌های منفرد ارگس را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: حالت نیم‌رخ و حالت تمام‌رخ بدن. در بین نگاره‌های انسانی؛

نامی باستانی ۱۳۱

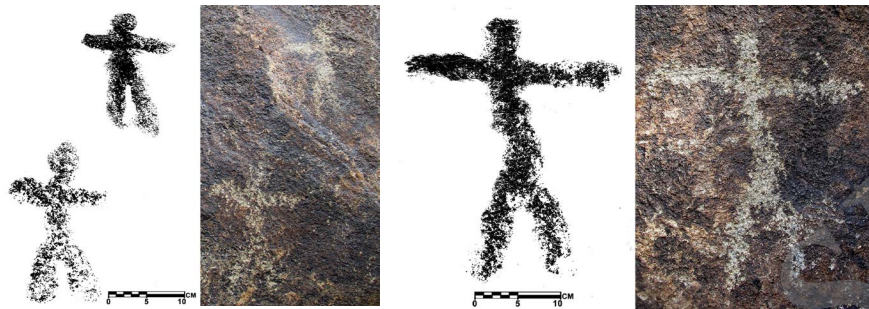


▲ شکل ۱۱: نقش سگسانان، مجموعه‌ی B ارگس‌نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).

► شکل ۱۲: نقش سگ با گوش و پوزه کشیده، دم پیچ خورده به سمت بالا، مجموعه‌ی B ارگس (نگارندگان ۱۳۹۱).



دو نمونه ایستاده از روبرو و یک نمونه از نیمرخ ترسیم شده است (شکل ۱۳). از حالات مختلف دیگر، باید از نقش انسان کمان دار و نقش انسانی نیزه دار سوار بر اسب را نام برد، که در بحث «صحنه‌ها» مورد تحلیل قرار خواهد گرفت (شکل ۱۵ و ۱۴). در هنر صخره‌ای با وجود ریخت‌شناسی ساده، برای موضوعات به‌نمایش درآمده هیچ مرزی نمی‌توان قایل شد. سبک به‌کار رفته در این دسته از نقوش نیز همان سبکی است که در تصاویر حیوانی مشاهده می‌گردد، یعنی به‌صورت بسیار ساده (انتزاعی و آنالیز شده) با حداقل خطوط و همچنان بدون نمایش حجم ارایه شده‌اند.



شکل ۱۳: نقوش انسانی نیمرخ و تمامرخ، مجموعه‌ی B ارگس (نگارندگان ۱۳۹۱).

برای نمایش این دسته از نقوش از حداقل خطوط استفاده شده، سر و تنه آن‌ها نسبتاً کوچک است و شکل پاها غالباً خطوط ساده و به‌صورت دو خط موازی از بدن جدا گردیده است. نقوش انسان‌هایی به‌صورت منفرد و گاهی به صورت ترکیبی و در حین انجام کار (شکار، گله‌داری) و مرتبط با نقش‌مایه یا نقش دیگری در بین نگاره‌ها نمایش داده شده‌اند. این دسته از نقوش نه تنها مرد هستند، بلکه عمدتاً در حالت ایستاده و در حالتی که نشان‌دهنده صحنه‌هایی نمادین و معنادار در لابه‌لای نقش‌های حیوانی پراکنده هستند. در بین نقش‌ها نیز گاهی به حالتی بر می‌خوریم که شبیه به همراهی کردن (صحنه چوپانی) حیوانات است. نقش‌های انسانی ارگس را از لحاظ نوع حالات ترسیم و نوع موضوعات آن، می‌توان با نقوش انسانی جربت (رشیدی نژاد و دیگران ۱۳۸۸) مقایسه کرد.

نقش‌مایه‌های اشیاء و ابزارآلات

نقش‌مایه‌های اشیاء و ابزارآلات سنگ نگاره‌های ارگس را یک نیزه (شکل ۱۴) و یک کمان (شکل ۱۵) که روایت انجام صحنه‌هایی مانند: صحنه شکار را تداعی می‌کنند. از نقوشی دیگر ابزارآلات؛ دو چوب‌دستی (شکل ۱۸) هستند که در دست نقوش انسانی (چوپانان) قرار دارند.

نقش‌مایه‌های تلفیقی (صحنه‌ها)

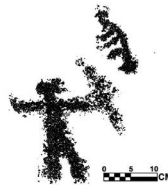
صحنه‌های نمایشی سنگ نگاره‌های ارگس را باید در قالب نقش‌مایه‌های انسانی و حیوانی مورد مطالعه قرار داد. این صحنه‌های نمایشی، موضوعاتی از شکار و رزم‌گاه را به‌نمایش گذارده‌اند که در این بین نقوش انسانی، حیوانی و حتی اشیاء مانند: نیزه و کمان، در تحلیل این نوع صحنه‌ها دخیل هستند که باید به آن‌ها اشاره کرد. صحنه‌های نمایشی را عمدتاً دو نمونه؛ صحنه شکار (شکل‌های ۱۴ و ۱۵) هفت نمونه؛ صحنه‌های سوارکاری (شکل‌های ۱۷ و ۱۶) و دو نمونه؛ صحنه گله‌داری (شکل ۱۸) و یک نمونه؛ صحنه و ردیفی از فیگورهای پشت سرهم گله (بز)، (شکل ۱۹) به‌خود اختصاص داده‌اند.

صحنه نمایشی شکار و رزم‌گاه: از زیباترین و برجسته‌ترین صحنه‌های نمایشی سنگ نگاره‌های ارگس، نگاره سوارکار نیزه به‌دست است (شکل ۱۴)، این صحنه؛ شخص سوار بر اسب را نشان می‌دهد که با یک دست از افسار اسب خود گرفته و در دست دیگر خود یک نیزه دارد (یک نمونه دیگر این نقش نیز در مجموعه A ارگس وجود دارد) که در کنار وی نقش یک سوارکار و یک سگ نیز به‌چشم می‌خورد که او را همراهی می‌کنند. در هیچ‌یک از نگاره‌های صخره‌ای استان همدان؛ دره‌دیوین (صرف ۱۳۷۶)، اوجیمام (رشیدی‌نژاد و زمانیان ۱۳۸۸)، چشمه‌ملک (رشیدی‌نژاد ۱۳۹۱) و چشمه‌صحبت (بختیاری ۱۳۸۷) نقش سوارکار نیزه‌دار را نمی‌توان مشاهده کرد و با جرأت می‌توان گفت به لحاظ موضوعی این نقش در بین نقوش سنگ نگاره‌های همدان منحصر به‌فرد است، نقش‌های سوارکار نگاره‌های سنگی ایران را غالباً کماندارها تشکیل می‌دهند. در صحنه شکار دیگری، انسان کمان‌داری خود نمایی می‌کند که به‌صورت پیاده به یک

► **شکل ۱۴:** صحنه شکار و رزم‌گاه، سواره کار نیزه به‌دست در کنار سگ‌سانان، مجموعه‌ی B ارگس نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).

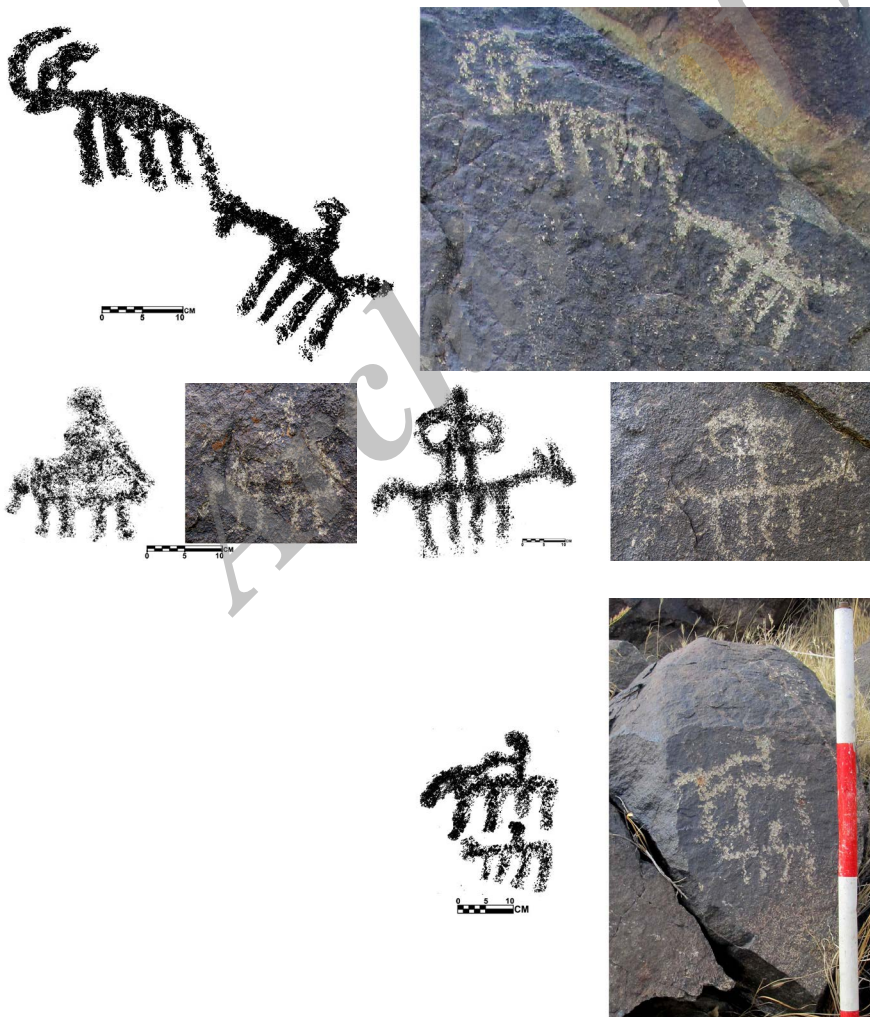


► **شکل ۱۵:** صحنه شکار، نقش انسانی در حال تیراندازی با کمان، مجموعه‌ی B ارگس نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).



نقش حیوانی، تیری را پرتاب و شکار کرده است. در این صحنه حیوان به حالت پهلو افتاده و حکایت از شکار شدن آن توسط کمان‌دار را به‌معرض نمایش گذارده است (شکل ۱۵)، نکته قابل ذکر این است که نمی‌توان به‌صورت قطع یقین نوع حیوان را به‌دلیل کوچک بودن نقش حیوان مشخص کرد. نقش شکار با کمان ارگس قابل قیاس با نقوش سنگ نگاره‌های جربت (رشیدی‌نژاد و دیگران ۱۳۸۸) و سنگستون (محمدی‌قصریان ۱۳۸۸) و نگاره‌های سنگی از ندریان (محمدی‌فر و همتی ۱۳۹۱) است.

صحنه نمایش اسب سواری: صحنه نمایش سوارکاری، از صحنه‌های پرشماری هستند که به وفور در نگاره‌های ارگس به‌چشم می‌خورند. هفت نمونه از صحنه سوارکاری (شکل ۱۷ و ۱۶ و ۱۴) در بین نگاره‌های ارگس شناسایی گردیده است. این نوع صحنه‌ها عمدتاً از نیم‌رخ ترسیم گردیده و در حال حرکت هستند، اما در یک نمونه صحنه‌ای را مشاهده می‌کنیم که سوارکاری بر روی اسب خود، دست بر کمر ایستاده و در حال نمایش و خودنمایی است که مشابه این نقش با این ویژگی را در بین نقوش نگاره‌های جربت (رشیدی‌نژاد و دیگران ۱۳۸۸) مشاهده می‌شود. این نوع صحنه‌ها به‌مانند سایر نگاره‌های ارگس ساده، تخت، بدون جزییات و فاقد پرسپکتیو ترسیم گردیده‌اند.



شکل ۱۷: نقش سوارکاری مجموعه‌ی B ارگس-نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).

شکل ۱۶: صحنه اسب سواری، نمایش از نیم رخ، مجموعه‌ی B ارگس (نگارندگان ۱۳۹۱).

۱۳۴ نامی باستانی

شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

صحنه گله‌داری: در صحنه‌های گله‌داری چوپانی را می‌بینیم که به‌دنبال گله‌های خود با چوبی در دست به‌حالت نیم‌رخ با فاصله نسبتاً کم از بز قرار گرفته است (شکل ۱۸) نمونه این نوع صحنه‌ها را در سنگ نگاره‌های جریت (رشیدی‌نژاد و دیگران ۱۳۸۸) و دره‌دیوین (رشیدی‌نژاد و زمانیان ۱۳۸۸) یافت می‌گردد. از حالت فرم بدن و پاهای چوپان می‌توان در حال حرکت بودنش را به‌خوبی حس کرد. ویژگی معنی‌دار این دسته از نقوش، زندگی مبتنی بر دام‌داری را نمایش می‌دهد، دام‌هایی که بر اساس نگاره‌ها از گونه بز هستند. به‌نظر می‌رسد مشخص‌ترین ویژگی این دسته از تصاویر، تمام‌رخ بودن کامل بدن و

شکل ۱۸: صحنه گله‌داری، چوپان به‌دنبال رمه مجموعه‌ی B ارگس‌نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).

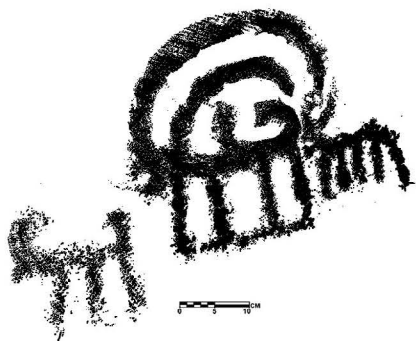


نیم‌رخ بودن تنها سر است که در جهت مقابل یک‌دیگر تصویر شده‌اند. حالت و محل قرارگرفتن این دسته از تصاویر در مجموعه موردنظر بیش از هرچیز به یک حالت نمادین خاص شباهت دارد که در جای خود قابل تامل است. از صحنه‌های قابل توجه نمایش گله‌ها، صحنه‌ای را نشان می‌دهد که ردیفی از حیوانات گله را پشت سرهم و در حال حرکت به‌معرض نمایش گذارده‌اند. در این صحنه، نقش دو بز را در جلو و یک سگ پشت سر آنان ترسیم شده‌اند. نقش بز دوم در مقیاسی بزرگ‌تر و با شاخ‌های بزرگ به‌صورت دو کمان موازی و کشیده با اغراق نقش گردیده است (شکل ۱۹).

شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

نامی باستانی

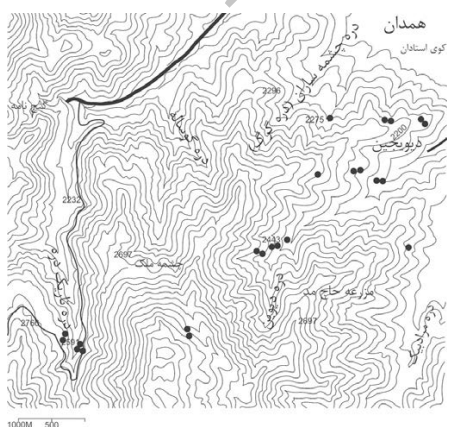
شکل ۱۹: ردیف نقوش یک سگ و دو بز پشت سرهم با شاخ کشیده در اندازه مختلف، مجموعه‌ی B ارگس‌نگاره‌های منفرد و پراکنده (نگارندگان ۱۳۹۱).



تاریخ گذاری

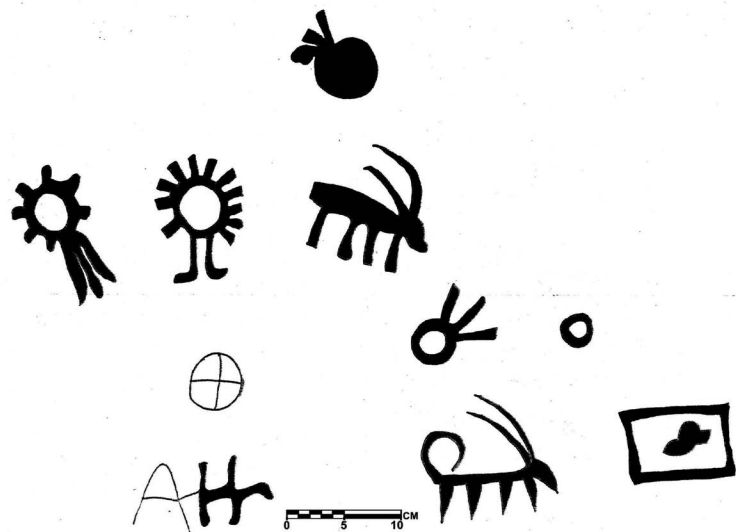
گاهنگاری به عنوان یکی از مهم ترین مسایل نقوش صخره ایی نه تنها در مورد نقوش نویافته، بلکه در دیگر نقاط کشور نیز همچنان مبهم و بی پاسخ باقی مانده است. به گفته رفیع فر: «هنر صخره ای به طور کلی سنگ نگاره ها در اکثر موارد رابطه مستقیمی با زمین و لایه های باستانی آن ندارند (مگر آنهایی که درون غارها دیده شوند، آن هم در صورتی که مشخص گردد لایه های باستانی درون غار با آثار منقوش هم عصر بوده است) بنابراین سنگ نگاره هایی که در فضای باز و بر روی تخته سنگ های طبیعی پراکنده هستند به سادگی قابل تاریخ نگاری دقیق نیستند» (رفیع فر، ۱۳۸۱: ۷۰). از جمله راه کارهای اساسی در ارتباط با گاهنگاری نقوش صخره ای، بررسی باستان شناختی و چشم اندازی که این نقوش در آن قرار گرفته است. در این راستا، می توان از شعاع استقراری نواحی که مورد بررسی باستان شناختی قرار گرفته و نیز از آثار مشابه هم جوار سنگ نگاره ها سود جست. توجه به جنس سنگی که نقوش بر روی آن حک گردیده است و میزان شرایط فرسایشی آن، توجه به عمق نقوش کنده شده در روی سطح سنگ، مدنظر قرار دادن عوامل جغرافیایی و اقلیمی، توجه به محل حاوی نقوش (پناه گاه های صخره ایی، غارها و یا محوطه های باز)، داشتن علم و آگاهی کافی از نوع و بافت رسوبات انباشتی که به مرور زمان سطح سنگ و نقوش را می پوشاند و چگونگی تشکیل این لایه های رسوبی در سطح سنگ و مسایلی از این قبیل در مطالعات گاهنگاری می تواند بسیار سودمند واقع شوند (محمدی قصریان، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۳).

در نگاره های سنگی ارگس به هیچ یک از مواد قابل آزمایش برخورد نگردیده و به ناچار از تاریخ گذاری تطبیقی استفاده شده است. همان گونه که پیشتر اشاره گردید در استان همدان ۴ محوطه مورد شناسایی و معرفی قرار گرفته که سنگ نگاره در خود جای داده است. سنگ نگاره های ارگس قابل مقایسه با سنگ نگاره های دره مرادیبیک (نقشه ۳) هستند که در دره های جنوبی الوند در بخش مرکزی شهرستان همدان و در ارتفاع ۲۱۰۰ متری از دریا قرار دارد. نمونه سنگ نگاره دیگر قابل مقایسه با نگاره های ارگس، سنگ نگاره های مزرعه حاج مد (شکل ۱۶) است که در دره مرادیبیک همدان قرار دارد (رشیدی نژاد و زمانیان، ۱۳۸۸: ۹۱) که نگاره های آن قابل مقایسه با نگاره های ارگس هستند. اما نزدیک ترین اثر سنگ نگاره مشابه سنگ نگاره ارگس، سنگ نگاره های چشمه صحبت (بختیاری ۱۳۸۷) است که در شعاع ۳۵ کیلومتری آن قرار دارد. نقش مایه های این اثر سنگی نیز دربر گیرنده فیگورهایی از بز کوهی و انسانی که نشان دهنده صحنه های گله داری هستند.



نقشه ۳: پراکندگی سنگ نگاره های دره دیوین، چشمه ملک و تاریک دره همدان (رشیدی نژاد، ۱۳۹۱: زیر چاپ).

از روش‌های رایج دیگر در تاریخ‌گذاری گونه‌شناسی و کمک گرفتن از خود تصاویر است، از طریق مشاهده‌ی علائم خاص و قابل تاریخ‌گذاری که در نقوش وجود دارد (خط، نقش ابزار و یراق، حیوانات خاص مثل اسب و...) و نسبت دادن این عناصر به دوره‌های زمانی خاص و دانستن تاریخ کاربرد موارد مذکور، می‌توان تاریخی را برای سنگ نگاره‌ها قایل شد. در بین نقوش نگاره‌ها باید به نقش هندسی نمادین حلقه (شکل ۴ و ۵) توجه داشت که این نقش در بین سنگ نگاره‌های اوجیمام همدان نیز به کار رفته است. در بحث نگاره‌های اوجیمام (شکل ۲۰)، رشیدی نژاد از این نقش به عنوان نماد شمنیستی یاد کرده است (رشیدی نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۹، طرح ۵). اما در نگاره‌های لاخ‌مزار (لباف‌خانگی و بشاش ۱۳۷۳) که دارای کتیبه اشکانی نیز است، این نقش را می‌توان مشاهده کرد، این نقش قابل مقایسه است با صحنه‌های تاج‌ستانی (گرفتن حلقه قدرت) که در نقوش برجسته‌های شاهان هخامنشی، اشکانی، ساسانی (شکل ۲۲) در دست شاهان قرار دارد. می‌توان نقش نمادین حلقه را الگو گرفته از حلقه قدرت نقوش برجسته‌ها دانست. با توجه به الگوهای پراکنش استقرار که در بررسی پیمایشی منطقه مورد مطالعه شناسایی گردید (جانجان ۱۳۹۱)، ۸۴٪ استقرارها در شعاع و مجاورت سنگ نگاره‌های ارگس سفلی را محوطه‌های اشکانی به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل ذکر در تاریخ‌گذاری سنگ نگاره‌های ارگس حضور اسب و سوارکاران نیزه به دست است که با توجه به اهلی سازی و استفاده از اسب که تاریخ استفاده آن، فراتر از عصر آهن را در بر ندارد و با توجه به حضور علائم نمادین، ابزار آلات و بر اساس تطبیق و الگوهای استقراری دشت مورد مطالعه که غالباً استقرارهای اشکانی است و هیچ نوع نشانه‌ای که معرف جدید و یا حتی متعلق به دوران معاصر بودن، اعم از: رسوب‌گذاری و گل سنگ‌های روی نقش‌ها، نوع ابزارهای شکار به کار رفته در بین نگاره‌ها و همچنین نوع وسیله‌ای که برای ایجاد نقوش بر صخره استفاده گردیده که متعلق به دوران معاصر باشد را در سنگ نگاره‌های ارگس سفلی نمی‌توان یافت. شواهد موجود دلیل کافی و لازم برای اشکانی بودن سنگاره ارگس ارایه نمی‌کند، بلکه می‌توان با رعایت شرط و احتیاط بسیار سنگ‌نگاره‌های ارگس را به دوران تاریخی (اشکانی و بعد از آن) منسوب کرد.



► شکل ۲۰: سنگ نگاره‌های اوجیمام همدان (رشیدی نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۹، طرح ۵).



شکل ۲۱: سنگ نگاره‌های دره دیوین (رشیدی نژاد و زمانیان، ۱۳۸۸: ۹۰، طرح ۱۱).



شکل ۲۲: نقش رستم-نقش آناهیتا در تاج‌گیری نرسه (گرفتن حلقه قدرت)، (سرفراز و فیرومندی، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

نتیجه‌گیری

نگاره‌های ارگس، از زیباترین نگاره‌های صخره‌ای کنده همدان به‌شمار می‌آید. در این نگاره‌ها؛ نگارگر متاثر از الگوهای ذهنی خود نمادی از؛ بز، سگ، انسان و صحنه‌هایی از شکار و سوارکاری و گله‌داری را به تصویر می‌کشد. بررسی سنگ‌نگاره‌های ارگس و سایر سنگ‌نگاره‌های همدان مانند: سنگ نگاره‌های دره‌مرادیبک و مزرعه‌حاج‌مد درآمدی بر شناخت برخی از مفاهیم انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی مبتنی بر زندگی؛ کوچ‌روی و دامداری است. برای نمونه؛ ناهمگونی نگاره‌های نمادین، پراکنش نگاره‌ها با وجود بستر مورد نیاز برای نگارگری در چشم‌اندازی یکسان، زبان مشترک نگاره‌ها در بیان با ارزش‌ترین باورها مانند: بز و شکار این حیوان به‌ویژه در نگاره‌های ارگس سفلی، دره‌مرادیبک و مزرعه‌حاج‌مد، ساختار زندگی کوچ‌نشینی و زندگی مبتنی بر شکارورزی و دامداری را به تصویر می‌کشند.

در هنر نمایی سنگ‌نگاره‌های ارگس، نگارگر نقوش را به‌صورت ساده و بدون هیچ تزیین و پرکاری در جهت عمق، زیبایی و تناسب نقش‌مایه‌ها ایجاد کرده است. در سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه بیش از هر حیوانی نقش بز کوهی جلب توجه می‌کند. این نقوش نه تنها از نظر کمی بیشترین تعداد را با فاصله زیاد نسبت به سایر نقوش حیوانی به‌خود اختصاص داده، بلکه به‌دلیل اصولی که تقریباً در همه‌جا بادقت فراوان در نحوه نمایش آن رعایت شده، حایز اهمیت هستند. از جمله این اصول که بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، شاخ‌های

بلند و کمائی است که همیشه به صورت جفت و در اغلب موارد با بهره‌گیری از قانون پرسپکتیو با زیبایی خاصی ترسیم گردیده‌اند. نمایش نیم‌رخ در حیوانات و همچنین دوری‌گزینی از ارایه تصاویر سه‌بعدی از دیگر اصولی است که در تمامی این نگاره‌ها رعایت شده است. نکته قابل توجه دیگر حالت و یا حالات نمادین نقوش است که بدون شک قراردادی بوده که به نظر می‌رسد هنرمند را ملزم به نمایش آن کرده، حالات مختلفی است که در نقوش انسانی به روشنی قابل تشخیص هستند. این ترکیب‌ها، صحنه‌هایی مانند: شکار را تشکیل داده و غالباً نیز تکرار شده‌اند. صحنه‌های شکار، سوارکاری و گلهداری از شاخص‌ترین صحنه‌های نمایشی این نگاره‌ها به‌شمار می‌آیند، از سنت هنری نگاره‌های ایران است که در اکثر موارد نگاره‌های همدان به چشم می‌خورد. در بحث گاهنگاری که به روش مقایسه‌ای و نشانه‌شناختی با سایر آثار شناسایی شده از نگاره‌های سنگی و همچنین با توجه به الگوهای استقرار منطقه مورد بحث و نشانه‌شناسی در بین نگاره‌های ارگس سفلی با رعایت شرط و احتیاط بسیار، می‌توان سنگ‌نگاره‌های ارگس را به دوران تاریخی (اشکانی و بعد از آن) منسوب کرد.

سپاسگزاری

تشکر و قدردانی از لطف، آقای مسعود رشیدی‌نژاد و اسماعیل همتی به جهت راهنمایی و در اختیار قرار دادن مطالب زیر چاپ مقاله‌های: سنگ نگاره‌های چشمه‌ملک همدان و سنگ نگاره‌های ازندریان ملایر.

منابع

۱. **بختیاری، ذبیح‌الله**، (۱۳۷۸)، گزارش بررسی و ثبت آثار شهرستان ملایر بخش جوکار: آرشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، جلد ۲.
۲. **بورنی، مک**، (۱۳۴۸)، گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت، ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۳: ص ۱۶-۱۴.
۳. **جانجان، محسن**، (۱۳۹۱)، گزارش بررسی و ثبت آثار شهرستان ملایر بخش زند و مرکزی: آرشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، جلد ۲.
۴. **جانجان، محسن و بیک‌محمدی، خلیل‌الله**، (۱۳۹۱)، معرفی و تحلیل نقوش مجموعه‌ی A سنگ نگاره‌های نویافته ارگس سفلی-ملایر، همایش ملی باستان‌شناسی ایران - دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها: بیرجند، خراسان جنوبی، کد مقاله: ۴۶۲، اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، ص ۳۵۶.
۵. **حصارنوی، علیرضا**، (۱۳۸۱)، سنگ نگاره‌های دره گنج شهرستان تفت: مجله اثر، پاییز، شماره ۳۵، ص ۱۸۰ تا ۱۸۶.
۶. **رشیدی‌نژاد، مسعود و دلفانی، میثم و مصطفی زاده، نرگس**، (۱۳۸۸)، معرفی سنگ نگاره‌های جربت، شهرستان جاجرم: دوفصلنامه تحلیلی-پژوهشی باستان‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات میان رشته‌ای، مجله انجمن علمی دانشجویان گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۶۶-۱۷۴.
۷. **رشیدی‌نژاد، مسعود و زمانیان، مهدی**، (۱۳۸۸)، بررسی سنگ نگاره‌های نویافته مزرعه حاج مد و دره مرادیبک همدان: پیام باستان‌شناس، سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۹۶-۸۹.

۸. **رثسیدی نژاد، مسعود**، (۱۳۹۱)، بررسی سنگ نگاره‌های نو یافته چشمه‌ملک و دره‌دیوین (همدان)، مجله کندوکاو، شماره ۴، زیر چاپ.
۹. **رضایی، مهدی و جودی، خیرالنسا**، (۱۳۸۹)، اشگفت نگاره‌های هلوش؛ معرفی، توصیف، تفسیر و گاه‌نگاری: سایت مجله‌ی علمی ترویجی انسان‌شناسی و فرهنگ: www.Anthropology.ir.
۱۰. **رفیع فر، جلال‌الدین**، (۱۳۸۱)، سنگ نگاره‌های ارسباران (سونگون): مجله نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۴۵-۷۶.
۱۱. **رفیع فر، جلال‌الدین**، (۱۳۸۴)، سنگ‌نگاره‌های ارسباران: تهران، سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری.
۱۲. **سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن**، (۱۳۸۳)، باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی (ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی)، تهران: انتشارات عفاف، چاپ دوم.
۱۳. **صراف، محمدرحیم و بشاش، رسول**، (۱۳۶۶)، نقوش صخره‌ای کمربنشته تویسرکان، گزارش بررسی و شناسایی تویسرکان، سازمان میراث فرهنگی، منتشر نشده.
۱۴. **صراف، محمدرحیم**، (۱۳۷۶)، نقوش حکاکی شده در دیوین‌الوند همدان، گزارش‌های باستان‌شناسی ۱: ص ۳۰۴-۳۱۰.
۱۵. **فرهادی، مرتضی**، (۱۳۷۷)، موزه‌هایی در باد، رساله‌ای در باب مردم شناسی هنر (گزارش مجموعه سنگ نگاره‌ها و نمادهای نویافته صخره‌ای تیمره)، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. **لباف‌خانیکی، رجبعلی و بشاش، رسول**، (۱۳۷۳)، سنگ‌نگاره لایخ‌مزار بیرجند، تهران: انتشارات میراث فرهنگی، چاپ اول.
۱۷. **محمدی فر، یعقوب و همتی، اسماعیل**، (۱۳۹۱)، سنگ نگاره‌های ازندریان همدان، مجله علمی پژوهشی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، زیر چاپ.
۱۸. **محمدی قصریان، سیروان**، (۱۳۸۵)، نقوش صخره‌ای کوه قلعه بزی اصفهان، باستان پژوهی، دوره جدید، سال اول، شماره ۱: ص ۶۲-۶۵.
۱۹. **محمدی قصریان، سیروان، نادری، رحمت**، (۱۳۸۶)، بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای خره هنجیران (مهاباد): باستان پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳: ص ۶۱-۶۵.
۲۰. **محمدی قصریان، سیروان**، (الف ۱۳۸۶)، "مطالعات نقوش صخره‌ای در ایران: مشکلات و راهکارها": باستان پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، ص ۱۵-۱۸.
۲۱. **محمدی قصریان، سیروان**، (ب ۱۳۸۶)، معرفی نقوش کنده سنگستون در فلات مرکزی ایران، باستان پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳: ص ۸۵-۹۰.
۲۲. **هال، جیمز** (۱۳۸۳)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب: ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، چاپ دوم.
۲۳. **ویژه‌نامه هنر صخره‌ای**، (۱۳۸۶)، مجله باستان پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳.

24. **Dessau, G**, (1960), Rock Engravings (Graffiti) from Iranian Bäluchistan, East and West, Vol. 11, No. 1: 258-266.

Introduction and Analysis of New Found Petrography Motif of B Set of Sofla Arges (Malayer-Hamedan)

Khalilollah Beik Mohammadi

(MA in Archaeology- in Structional Educator of University of Applied Science of Hamadan Art and Culture)

Khalil_bm@yahoo .com

Mohsen Janjan

(BA in Archaeology- Free researcher)

Nasrin Beik Mohammadi

(BA in Archaeology . Free researcher)

Abstract

New found petro graph of Arges is located in mountain area by 200 m interval of east south of Sofla Arges village from Zand district, Malayer. This work is in works registration list of cultural heritage organization at 1390 by survey of Zand district of Malayer by Mohsen Janjan. Arges motif is divided in to main 3 groups in two sets A and B: geometric, animal and human. Human motif include hunting-ground from huntsman in the form of jockey, bower walkers and lancers far from any writing and writing signs. Geometric motive are symbolic and limited but animal motif include live stocks like goat, horse and dog. Motives are knocker on rocks of iron stone gravely far from any image volume and dimension. Study and analyses of these motives include the questions such as who are created these motives and in what ages? and what is the aim of drawing of these motive? Arges petrography chronology is based on comparison of their morphology with other petrography samples obtained from Hamedan and also petrography obtained from other parts of Iran based on work style and morphology of motif that we are seen since millennium 4 AD owing to broad cultural interactions throughout of presence of migrating hunters and ranchers. Work method of information record of geographical station is using GIS and GPS by using Photoshop software in drawing motif. Discussion of the research is to examine and analyses the B set in method, style and approaches of art motif structure in aesthetics, symbolic and meaningful stages, illustrators and Arges motif registration age.

Key words:

Petrography, Arges, motive, stage

